



دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

گروه فلسفه

**پایان‌نامه**

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه

عنوان

**تصور خدا نزد ملاصدرا و دکارت**

استادان راهنما

دکتر مسعود امید

دکتر مرتضی شجاری

پژوهشگر

مریم صمدیه

مرداد ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم:

به ساحت مقدس آقا امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

تقدیر و تشکر!

خدایاندا! سپاس نامنتها تورااست که تاج افتخار و سربلندی بندگیت را به ما ارزانی داشتی و به ما منت نهادی تا ذکر تو کنیم و تو را بخوانیم و تنزیه و تسبیح تو گوئیم.

در ابتدا وظیفه خود می دانم که از زحمات و حمایت های بی دریغ پدر و مادر عزیزم نهایت تشکر را داشته باشم که همیشه همراه و پشتیبانم بودند و از هیچ کمکی برای بنده مضایقه نکرده اند.

در اینجا لازم می دانم که از اساتید محترم و بزرگوار جناب آقای دکتر امید و دکتر شجاری که راهنمایی بنده را در این پایان نامه بر عهده داشتند و از ارائه تجربیات خود به بنده مضایقه نکرده اند، نهایت تقدیر و تشکر را به جا آورم. هم چنین از استاد محترم جناب آقای دکتر اصغری که داوری پایان نامه را بر عهده گرفتند نیز قدردانی می کنم.

از اساتید محترم و بزرگوار گروه فلسفه، جناب آقای دکتر نوالی، دکتر فتحی، دکتر صدرمجلس، دکتر عین الله زاده، دکتر عبدالله نژاد، دکتر آزادی، دکتر غروی، دکتر ساروی که افتخار شاگردیشان را داشتم نیز تشکر و قدردانی می کنم.



نام خانوادگی دانشجو: صمدیه	نام: مریم
عنوان پایان نامه: تصور خدا نزد ملاصدرا و دکارت	
استاد (استادان) راهنما: دکتر مسعود امید - دکتر مرتضی شجاری استاد (استادان) مشاور: -	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: فلسفه
دانشگاه: تبریز	گرایش: غرب
تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۰	دانشکده: ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی
تعداد صفحه: ۱۰۲	
کلید واژه‌ها: تصور خدا، شناخت خدا، اوصاف خدا، وجود، جوهر، ملاصدرا، دکارت، مقایسه دو فیلسوف	
<p><b>چکیده:</b></p> <p>به یقین می‌توان گفت تصور خدا و الوهیت هیچ‌گاه از ذهن بشر دور نبوده است؛ زیرا انسان موجودی الهی و آفریده بر مثال خدایی است. در این پایان نامه تصور خدا با رویکردی تطبیقی مورد بحث قرار گرفته است، یعنی تصور از ذات و صفات خدا، از دو منظر و نگرش مختلف مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است، از یک طرف دیدگاه دکارت فیلسوف فرانسوی را داریم و از طرف دیگر دیدگاه ملاصدرا فیلسوف مسلمان. تصور این دو از خداوند دارای اشتراکات و اختلافاتی است که از مبانی مختلف فلسفی این دو، ناشی می‌شود. ملاصدرا با رویکردی وجودشناختی، خداوند را وجود محضی می‌داند که احاطه قیومی بر همه موجودات دارد و همه موجودات نمود و ظهور او هستند. تصور ملاصدرا از خداوند، بر اساس وجود و وجوب شکل می‌گیرد، تا آنجا که خداوند را واجب الوجود می‌خواند و معتقد به صفات ایجابی و سلبی در خداوند می‌شود؛ به گونه‌ای که این صفات، عین ذات خداوند هستند. اما دکارت در تصورش از خداوند، با رویکردی معرفت‌شناختی نسبت به خدا، او را کمال مطلق همراه با دو ویژگی جوهریت و عدم تناهی می‌داند. در واقع دکارت مفهوم خدا را مفهومی ایجابی و فطری می‌داند که بالقوه پیش از تجربه در ذهن وجود دارد و بعد از پیدایش زمینه تجربی به مرحله ظهور و فعلیت می‌رسد.</p>	

مقدمه	۱
فصل اول: پیشینه تصور خدا در ادیان و فلسفه	۴
۱-۱ مفهوم خدا در ادیان	۴
۱-۱-۱ مفهوم خدا در دین زرتشتی	۴
۲-۱-۱ مفهوم خدا در دین یهود	۴
۳-۱-۱ مفهوم خدا در دین مسیح	۵
۴-۱-۱ مفهوم خدا در دین اسلام	۵
۲-۱ مفهوم خدا در فلسفه	۶
۱-۲-۱ مفهوم خدا در یونان	۶
۱-۱-۲-۱ افلاطون و تصور خداوند	۶
۲-۱-۲-۱ ارسطو و تصور خداوند	۸
۳-۱-۲-۱ فلوطین و تصور خداوند	۹
۲-۲-۱ مفهوم خدا در فلسفه مسیحی	۹
۱-۲-۲-۱ آگوستین و تصور خداوند	۹
۲-۲-۲-۱ توماس آکوئیناس و تصور خداوند	۱۰
۳-۲-۱ مفهوم خدا در فلسفه اسلامی	۱۰
۱-۳-۲-۱ فارابی و تصور خداوند	۱۰
۲-۳-۲-۱ ابن سینا و تصور خداوند	۱۱
۳-۳-۲-۱ سهروردی و تصور خداوند	۱۱
فصل دوم: تصور خداوند در فلسفه ملاصدرا	۱۴
۱-۲ موضوعیت خداوند در فلسفه ملاصدرا	۱۵

- ۲-۲ مسأله رویکرد و روش تحقیق در شناخت خدا ..... ۱۶
- ۳-۲ تفکیک مقام تصور از تصدیق در شناخت خداوند ..... ۱۸
- ۴-۲ تفکیک امکان تصویری و امکان تصدیقی در شناخت خداوند ..... ۱۹
- ۵-۲ امکان شناخت تصویری خداوند از نظر ملاصدرا ..... ۲۰
- ۱-۵-۲ امکان از جهت فاعل شناسا و عالم ..... ۲۰
- ۲-۵-۲ امکان از جهت متعلق شناسایی و معلوم ..... ۲۰
- ۱-۲-۵-۲ ضابطه کلی مربوط به عالم زبان: معنی داری واژه واجب الوجود بالذات ..... ۲۱
- ۲-۲-۵-۲ ضابطه کلی مربوط به عالم ذهن: غیرمتناقض بودن تصور خداوند ..... ۲۱
- ۶-۲ ادله وجود خدا راهی برای اخذ تصور خداوند ..... ۲۲
- ۷-۲ مراحل شناخت تصویری خدا ..... ۲۲
- ۸-۲ نحوه حصول تصور خدا ..... ۲۳
- ۹-۲ مراحل حصول تصور خدا ..... ۲۳
- ۱۰-۲ تقسیم‌بندی مفاهیم و تصورات در ملاصدرا و تعیین مفهوم خدا در آنها ..... ۲۴
- ۱۱-۲ روش‌های شناخت خداوند ..... ۲۵
- ۱۲-۲ روش شناخت خداوند در نزد ملاصدرا ..... ۲۹
- ۱۳-۲ حدود و شعاع شناخت خداوند از نظر ملاصدرا ..... ۳۱
- ۱۴-۲ تعریف خداوند ..... ۳۴
- ۱۵-۲ روش‌های تعریف لفظی ..... ۳۵
- ۱۶-۲ تعریف خداوند از دیدگاه ملاصدرا ..... ۳۸
- ۱۷-۲ صفات خداوند ..... ۳۹
- ۱۸-۲ تقسیم‌بندی صفات در ملاصدرا ..... ۴۴
- فصل سوم: تصور خداوند در فلسفه دکارت ..... ۵۱



- ۱-۳ موضوعیت خداوند در فلسفه دکارت ..... ۵۲
- ۲-۳ مسأله رویکرد و روش تحقیق در شناخت خدا ..... ۵۳
- ۳-۳ تفکیک مقام تصور از تصدیق در شناخت خداوند ..... ۵۳
- ۴-۳ تفکیک امکان تصویری و تصدیقی در شناخت خداوند ..... ۵۴
- ۵-۳ امکان شناخت تصویری خداوند از نظر دکارت ..... ۵۴
- ۱-۵-۳ امکان از جهت فاعل شناسا و عالم ..... ۵۵
- ۲-۵-۳ امکان از جهت متعلق شناسایی و معلوم ..... ۵۶
- ۱-۲-۵-۳ ضابطه مربوط به عالم زبان: معنی داری واژه کامل ترین ذات یا موجود ..... ۵۶
- ۲-۲-۵-۳ ضابطه کلی مربوط به عالم ذهن: غیرمتناقض بودن تصور خداوند ..... ۵۹
- ۶-۳ بررسی امکان تصور خدا ..... ۶۰
- ۷-۳ ادله وجود خدا راهی برای اخذ تصور خداوند ..... ۶۲
- ۸-۳ مراحل شناخت خدا ..... ۶۳
- ۹-۳ نحوه حصول تصور خدا ..... ۶۵
- ۱۰-۳ مراحل حصول تصور خدا ..... ۶۶
- ۱۱-۳ تقسیم بندی مفاهیم و تصورات در دکارت و تعیین مفهوم خدا در آنها ..... ۶۷
- ۱۲-۳ فطری، ساختگی و ایجابی بودن تصور خدا ..... ۷۱
- ۱۳-۳ روش عام شناخت خداوند در دکارت ..... ۷۲
- ۱۴-۳ روش خاص دکارت در شناخت خداوند ..... ۷۳
- ۱۵-۳ امکان کاربرد روش ترکیب در شناخت خدا ..... ۷۳
- ۱۶-۳ حدود و شعاع شناخت خداوند از نظر دکارت ..... ۷۴
- ۱۷-۳ تعریف دکارت از خداوند ..... ۷۶
- ۱۸-۳ تحلیلی در باب تعریف دکارتی از خدا ..... ۷۷

۷۸	..... ۱۹-۳ صفات خداوند
۸۱	..... ۲۰-۳ تقسیم بندی صفات در دکارت
۸۴	..... فصل چهارم: مقایسه تصور ملاصدرا و دکارت از خداوند
۸۴	..... ۱-۴ موضوعیت خداوند
۸۴	..... ۲-۴ مسأله رویکرد و روش تحقیق در شناخت خدا
۸۵	..... ۳-۴ تفکیک مقام تصور از تصدیق در شناخت خداوند
۸۵	..... ۴-۴ امکان شناخت تصویری خداوند
۸۶	..... ۵-۴ نحوه حصول تصور خدا
۸۶	..... ۶-۴ مراحل حصول تصور خدا
۸۷	..... ۷-۴ تقسیم بندی مفاهیم و تصورات در ملاصدرا و دکارت و تعیین مفهوم خدا در آنها
۸۸	..... ۸-۴ روش شناخت خداوند
۸۸	..... ۹-۴ حدود و شعاع شناخت خداوند
۹۱	..... ۱۰-۴ تعریف خداوند
۹۴	..... ۱۱-۴ صفات خدا
۹۴	..... ۱۲-۴ تقسیم بندی صفات
۹۷	..... فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری
۹۷	..... ۱-۵ تشابهات ملاصدرا با دکارت در زمینه تصور خداوند
۹۸	..... ۲-۵ تفاوت های ملاصدرا با دکارت
۹۹	..... منابع

## مقدمه

یکی از مسائل اساسی که هر انسانی در تمامی عمر خویش یا دست کم در برهه‌ای از عمر خویش با آن درگیر است، مسأله خدا است. آیا خداوند وجود دارد؟ هر انسانی حتی غیر متدین با این مسئله درگیر است. قبل از پاسخ به این سؤال اساسی و حتی مهم‌تر از پاسخی که به این سؤال داده می‌شود، تصویری است که در ذهن آدمی از خداوند وجود دارد و غالباً همان تصور خاص باعث پاسخ خاصی به آن سؤال اساسی خواهد شد.

فیلسوفان، عارفان و متکلمان هر یک تصویری خاص از خداوند دارند که غالباً این تصورات با یکدیگر متفاوت‌اند. در تصور ملاصدرا و دکارت نیز از خداوند شباهت‌ها و تفاوت‌هایی نهفته است. از جمله شباهت‌های این دو فیلسوف در تصور خداوند، موضوعیت قرار دادن خداوند در فلسفه‌شان و هم-چنین غیر قابل شناخت دانستن کنه ذات خداوند و ذکر اوصاف و صفاتی مشترک برای خداوند است. اما این دو فیلسوف در تصورشان از خداوند تفاوت‌هایی هم داشته‌اند که از جمله این تفاوت‌ها، رویکرد این دو به موضوع خداوند است چرا که ملاصدرا رویکردی وجودشناختی نسبت به خداوند دارد حال آنکه رویکرد دکارت، رویکردی معرفت‌شناختی است. و هم‌چنین ملاصدرا خدا را وجود می‌خواند و مخالف با جوهر دانستن خداست در صورتی که دکارت خدا را جوهر می‌خواند که صفت اصلی آن هم نامتناهی بودن است. لذا هدف این پایان‌نامه، بیان همین تفاوت‌ها و شباهت‌هاست.

این پایان‌نامه از پنج فصل تشکیل شده است. فصل اول، پیشینه تصور خدا در ادیان و فلسفه است که در این فصل به بیان تصور خداوند در ادیان زرتشتی، یهود، مسیح و اسلام و هم‌چنین به تصور خداوند در فلسفه‌های یونان، فلسفه مسیحی و فلسفه اسلامی پرداخته شده است. فصل دوم، تصور خدا در فلسفه ملاصدرا است که به بیان موضوعیت خدا، رویکرد ملاصدرا نسبت به موضوع خداوند، امکان شناخت تصویری خداوند، تعریف خداوند و صفات خداوند و ... پرداخته شده است. فصل سوم، تصور خدا در

فلسفه دکارت است که در این فصل همان موضوعاتی در فصل دوم بیان شده، دوباره در دکارت مطرح گردیده است. فصل چهارم مقایسه تصور ملاصدرا و دکارت از خداوند است که در این فصل به مقایسه این دو فیلسوف طبق همان مسائلی که در فصل دوم و سوم مطرح شده، پرداخته شده است. و در نهایت فصل پنجم که آخرین فصل و نتیجه گیری است به بیان تشابهات و تفاوت‌های ملاصدرا با دکارت در زمینه تصور خداوند به صورت اجمالی پرداخته است.

در بررسی این پایان نامه از منابع دست اول هر دو فیلسوف همچون اسفار اربعه، الشواهد الربوبیه، المظاهر الالهیه، مفاتیح الغیب و ... در ملاصدرا و تأملات در فلسفه اولی، اعتراضات و پاسخ‌ها، گفتار در روش، اصول فلسفه و ... در دکارت استفاده شده است. هم‌چنین از منابع لاتین و عربی و منابع مربوط به عقاید این دو فیلسوف مورد استفاده قرار گرفته است.

## فصل اول

پیشینه تصور خدا در ادیان و

فلسفه

## فصل اول: پیشینه تصور خدا در ادیان و فلسفه

### ۱-۱ مفهوم خدا در ادیان

در ادیان مختلف، دیدگاه‌های مختلفی نسبت به خداوند وجود دارد. هر یک از ادیان پیرو خدای خاصی است در عین اینکه در این ادیان، اعتقاد به خدای واحد و احد هم جریان دارد. تصور برخی از این ادیان از خداوند در اینجا مطرح می‌شود.

#### ۱-۱-۱ مفهوم خدا در دین زرتشتی

در عهد قبل از زرتشت قدیمی‌ترین خدای آریایی، خدای وارونا بود که با صفت همه دان یا آگاه و کاشف اسرار شناخته می‌شد. بعد از وارونا، مهر یکی دیگر از خدایان کهن آریایی است. اما در دین زرتشتی تنها یک خدای شایسته پرستش هست و آن اهورامزدا است. اهورا در لغت به معنی بزرگ، مولی، سرور و خداوند است و مزدا نیز به معنی هوش، خرد و دانایی می‌باشد و اهورا مزدا یعنی سرور دانا. اهورا مزدا خالق، تابان، پرشکوه، بزرگترین، حکیم‌ترین، کامل‌ترین و سخی‌ترین روح است. در اوستا و متون زرتشتی صد و یک نام و صفت برای اهورا مزدا ذکر شده مانند خالق، بصیر، علیم، قدرتمندترین، بزرگترین، مهربان، پدر عدالت یا حقیقت «آشا»، پدر فکر نیک «وهومنه»، کریم «هوره»، بخشنده «سپتا» (همتی، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۶).

#### ۱-۱-۲ مفهوم خدا در دین یهود

خدا در دین یهود، یهوه و الوهیم است. یهوه یعنی «کسی که هست» و در تورات رازق و مالک دانسته می‌شود. یهوه در عین اینکه از حکمیت و اراده و برترین قدرت‌ها برخوردار است اما از بندگان خود دستگیری می‌کند. او خالق کائنات و کمالات موجودات، واحد و احد و قدیم و صانع و پدیدآورنده همه چیز است، او مدبر عالم است و مشاور و یاور و ندارد، او ازلی و ابدی و ورای زمان است و از آفرینش هدفی دارد و هرگز کاری عبث نمی‌کند، او کامل و بی نقص است و از هر عیبی منزه است. و در عین

اینکه نامرئی است اما در عالم حضور دارد و در بین بنی اسرائیل حاضر است. در کتاب اشعیای نبی مفهومی از خداوند که همه موانع نژادی، زمانی و مکانی را به کنار می‌نهد به دست می‌دهند یعنی خداوند قادر، بصیر، عادل، خالق، عالم و منجی جهان (همان: ۴۸-۴۶).

### ۱-۱-۳ مفهوم خدا در دین مسیح

در مسیحیت در مورد خداوند دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. یک دیدگاه، تصویر موحدانه خداوند را در مسیحیت شامل می‌شود که طبق آن خداوند دارای صفاتی چون روح و حیات، عقل، هدف، اراده نیک و وحدت می‌شود و طبق این نظر باید خداوند را احساس کرد و نه اینکه بدان معتقد بود. مسئله دیگر تثلیث را شامل می‌شود به این صورت که اینان معتقد به سه وجود پدر و پسر و روح القدس هستند. پدر، خدای قادر مطلق، خالق آسمان و زمین و خداوندگار عیسی مسیح است. پسر، متولد شده از پدر، نور از نور، ایجاد شده و نه خلق شده و هم گوهر با پدر و او عیسی مسیح است و روح القدس، خداوندگاری است که زنده می‌سازد و از پدر و پسر صادر می‌شود و با پدر و پسر پرستش می‌گردد. مسائل دیگر چون مسئله حلول خدا در مسیح، مسئله ملکوت خدا یا سلطنت خدا یا سلطنت آسمان‌ها که در انجیل متی وجود دارد ولی در تورات دیده نمی‌شود و مسائل دیگر از این قبیل نیز مطرح بوده است (همان: ۵۴-۴۹).

### ۱-۱-۴ مفهوم خدا در دین اسلام

خدا در دین اسلام با عنوان الله نامیده می‌شود که به معنای معبود و ذات شایسته پرستش یا موجودی که همگان نیازمند اویند و به او روی می‌آورند، می‌باشد. در قرآن ۲۷۰۲ بار نام مقدس خداوند به کار رفته است. در اسلام خداوند دارای اسما و صفات نیکویی است که بر اساس ذات و صفات و افعال خداوند به او نسبت داده شده است. اسما و صفاتی چون اله، احد، اول، آخر، اکرم، اعلم و بصیر و سمیع و ... (همتی، ۱۳۸۶: ۵۷-۵۴).

## ۲-۱ مفهوم خدا در فلسفه

تصور خداوند در فلسفه در سه بخش فلسفه غرب و یونان، فلسفه مسیحی و فلسفه اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد. هر یک از این فلسفه‌ها، تصویری خاص از خداوند به دست می‌دهند و خدا را با صفات و اوصاف خاصی مورد بررسی قرار می‌دهند که برخی از این آراء در اینجا مورد توجه قرار گرفته است.

### ۱-۲-۱ مفهوم خدا در یونان

پیشینه مفهوم خداوند در یونان با آن وضوحی که در ادیان یهود و مسیحیت و اسلام بوده، مطرح نشده است. در یونان ما می‌توانیم مختصری به آراء افلاطون، ارسطو و فلوطین اشاره کنیم:

#### ۱-۱-۲-۱ افلاطون<sup>۱</sup> و تصور خداوند

مسئله خدا یکی از مسائل مشکل برای مفسران افلاطون بوده است چرا که افلاطون دیدگاه‌های نظام‌مندی در این خصوص ارائه نکرده است. افلاطون از خدا به صورت مفرد و جمع سخن می‌گوید به عبارتی دیگر در عین اینکه خدایان بسیار وجود دارد ولی در همان حال خدایی ناظم و مدبر هست که مشیت او بر کل عالم سایه افکنده است که به صورت خیر مطلق ظاهر می‌شود.

افلاطون از یک سو معتقد به خدایان بود. و در نظر او دین حقیقی عبارت بود از حال پرستش خدایان بی‌شماری که آدمیزادگان عبادتشان می‌کردند و در حوایج شخصی و مدنی به آنها متوسل می‌شدند. لذا می‌توان صفت اصلی خدای افلاطونی را تدبیر و تمشیت امور انسانی دانست. او همانند تالس به صراحت گفته که همه چیز پر از خدایان است و هم چنین بارها متذکر شده که اعتقاد به وجود خدایان اعتقادی بسیار قدیمی و محترم است (ژیلسون، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۲).

خدایان بی‌شمار افلاطون را چنین می‌توان توجیه کرد که هرگاه موجودی جاندار و متحرک بذاته که منشأ حرکتش قوه فعاله خودانگیخته‌ای در درونش باشد پس این موجود دارای نفس است و چون هر

<sup>۱</sup>. Plato



نفسی خداست پس در هر موجود زنده خدایی مأوی دارد. در مورد خورشید و ستارگان نیز، گردش دایمی آنها گواه حضور موجودی الهی در آنهاست. افلاطون معتقد است که نفس همان نمونه و الگویی است که آدمیان تصور خویش را از خدا مطابق آن ساخته‌اند (همان: ۴۴).

اما آنچه از آموزه‌های افلاطون می‌توان به عنوان خدای واحد در نظر گرفت نظر او در خصوص مثال خیر است. افلاطون علاوه بر عالم محسوس که موجودات آن متغیر و محسوس و فناپذیرند و علم به آنها تعلق نمی‌گیرد، معتقد به عالم دیگری به نام عالم مثل یا عالم معقول بود. موجودات این عالم غیر مادی، غیر متحرک، ضروری و معقول هستند. افلاطون آنها را ایده یا مثال می‌خواند. مثل حقایقی ازلی و ابدی و معقول و حقیقت فی‌نفسه هستند. در میان مثل هم مثالی هست که بر همه سلطه دارد و بقیه مثل از معقولیت او بهره‌مند هستند که این همان مثال خیر یا خدای افلاطونی است. افلاطون معتقد است مثال خیر منشأ هر گونه زیبایی و درستی، آفریننده نور و پروردگار نور در عالم محسوس و منبع بی‌واسطه عقل و حقیقت در عالم معقول است. قدرتی که اگر انسان بخواهد در زندگی خصوصی یا در میان جمع به حکم عقل رفتار کند، باید به آن چشم بدوزد (همان: ۳۷ تا ۳۹).

لذا در افلاطون ما از یک سو با مبدأ به عنوان منشأ خیر و خوبی نسبت به عالم مواجه هستیم که واژه‌ی مثال خیر و خیر اعلی بر آن اطلاق می‌شود. و از سوی دیگر با مبدأ با اوصاف سازندگی و فعالیت در جهان طبیعت و نظم بخشی با آن روبرو هستیم که مفهوم صانع یا دمیورژ بر آن اطلاق می‌شود. پس در افلاطون ما با یک موجود واحد اما با جهات مختلف روبرو هستیم. گویی مبدأ از دو جنبه: نامتعیین، لابشرط و تماشاگر و جنبه متعین، بشرط شیء و بازیگر برخوردار است. یعنی مبدأ از دو حیثیت خیریت و صنع برخوردار است. صنع به معنای خلق از عدم یا صدور نیست بلکه به معنای وحدت بخشی، نظم آفرینی و برقراری تناسب عوالم مادون با مافوق است. مبدأ افلاطونی واحد است دارای تعالی، تشخیص و هویت ویژه است اما لزوماً دارای تعین به معنای موجودی در عرض و کنار دیگر موجودات نیست چون او

فوق موجودات است و این برتری، هستی شناختی است (افلاطون، ۱۳۸۰: ۱۷۳۹، کاپلستون، ۱۳۸۰: ۲۲۲، ۲۲۰، ۲۰۰، ۸-۲۰۶، استیس، ۱۳۸۵: ۱۹۵، اکرمی، ۱۳۸۰: ۱۹۱-۱۹۹).

### ۲-۱-۲-۱ ارسطو<sup>۲</sup> و تصور خداوند

از دیدگاه ارسطو خداوند به عنوان محرک نامتحرک نخستین تلقی می‌شود و محرک اول او نه یک علت فاعلی صرف، بلکه به عنوان علت غایی که از نقش فاعلی نیز برخوردار است، محسوب می‌شود. بر همین اساس عامل حرکت بی‌واسطه یا باواسطه اشیای عالم می‌گردد (راس، ۱۳۷۷: ۲۷۵). محرک نخستین ارسطو از طریق عشق و شوق، افلاک و اشیا را به صورت سلسله مراتب به حرکت در می‌آورد. و این محرک نخستین هم واحد است و هم احد و هم یگانه است و هم بی‌جزء و تقسیم‌ناپذیر، و لذا بسیط است (ارسطو، ۱۳۶۷: ۴۰۲-۴۰۶). هم‌چنین ارسطو اوصاف چندی را برای خدا برشمرده است که عبارتند از:

۱- خدا ثابت و بدون تغییر است.

۲- هر جوهری غیر از خدا مرکب از قوه و فعل است اما خدا فعلیت محض است ارسطو خدا را جوهر می‌داند.

۳- خدا چون غیر مادی است، مکان ندارد.

۴- خدا همیشه معشوق است حتی وقتی که هیچ چیزی غیر از خدا وجود نداشته باشد باز خدا عاشق خودش است.

۵- خدا عمرش را در تفکر در باره خود می‌گذراند.

---

<sup>2</sup>. Aristotle

### ۳-۱-۲-۱ فلوطین<sup>۳</sup> و تصور خداوند

فلوطین از خداوند با نام «احد» یا «او» یاد می‌کند. و وحدتی را هم که برای خدا در نظر می‌گیرد، وحدت عددی نیست. فلوطین عنوان هستی و جوهر و محمول‌های هست و است را بر خدا اطلاق نمی‌کند چرا که این عناوین برای انتساب امور و اوصاف مادون او به کار می‌آیند. از نظر فلوطین احد پیش از هر موجود بوده و بسیط‌ترین است و صرفاً برای خویش است، وصف‌ناپذیر است، کل‌الشیاست، همه جا هست ولی با تمام وجود خود، دارای بساطت مطلق است. خودآگاهی و دیگرآگاهی و اندیشیدن، حتی از نوع عالم عقلانی در او راه ندارد چرا که آگاهی در هر شکل خود مثار کثرت است و با بساطت و وحدت خدا سازگار نیست (فلوطین، ۱۳۶۶: ۷۲۵، ۶۷۰، ۷۱۰، ۶۸۲، ۷۰۵-۶۸۱، ۷۱۷، ۷۱۵، ۴-۷۲۸، ۷۳۱، ۷۴۰، ۷۴۳، ۷۴۷، ۷۱۷، ۷۲۸، کاپلستون، ۱۳۸۰: ۵۴۲).

### ۲-۲-۱ مفهوم خدا در فلسفه مسیحی

در فلسفه مسیحی تصور تنها مربوط به خدای واحد و احد نیست چرا که تثلیث که در اینها مطرح است هم به صورت طولی و هم به صورت عرضی (سه خدا یعنی پدر و پسر و روح‌القدس در عرض هم) مطرح شده است که برخی از این آراء از این قرارند:

### ۱-۲-۲-۱ آگوستین<sup>۴</sup> و تصور خداوند

آگوستین معتقد به تثلیث<sup>۵</sup> یعنی پدر و پسر و روح‌القدس است. اما تثلیث در او به صورت طولی مطرح است یعنی اینکه معتقد به سه خدا نیست بلکه معتقد به یک خدای پدر است. از نظر آگوستین، مهم‌ترین صفت خداوند، وحدت است. او هم‌چنین خداوند را خیر محض، واجب، سرمدی، نامتغیر، غیر

---

<sup>3</sup>. Plotinus

<sup>4</sup>. Augustine

<sup>5</sup>. Trinity

قابل درک و کمال محض می‌داند. از نظر آگوستین تمام صفات خداوند عین ذات او تعالی هستند چون ذات خداوند برتر از آن است که قبول عرض بکند. او هم چنین خداوند را مطلق، حکیم، عالم و قادر می‌داند که همه چیز را بر اساس حکمت، عقل و علم خلق می‌کند (ایلخانی، ۱۳۸۲: ۹۶-۱۰۰).

#### ۲-۲-۲-۱ توماس آکوئیناس و تصور خداوند

از نظر توماس نام خاص خداوند «آن که هست» می‌باشد. مهم‌ترین صفت او، وجود است. خدا وجود مطلق و بنفسه و به همین دلیل علت وجودی دیگر موجودات است. از نظر توماس خداوند خیر محض است و به عنوان خیر محض منشأ خیر در عالم است. البته خیر برای توماس عین وجود است. او هم چنین بهترین روش شناخت خداوند را، روش بر اساس تشابه می‌داند. در نظر توماس خدا شبیه مخلوقات نیست بلکه مخلوقات شبیه خداوند هستند البته این شباهت کامل نیست، چون مخلوقات افعال محدود وجودند و خدا فعل محض و نامحدود وجود است. توماس صفاتی چون علم، اراده، وجود و خیر و... را به خداوند نسبت می‌دهد (همان: ۴۲۲-۴۲۳-۴۳۵-۴۳۶).

#### ۳-۲-۱ مفهوم خدا در فلسفه اسلامی

کامل‌ترین تصور از خداوند در فلسفه اسلامی مطرح شده است. در فلسفه اسلامی خداوند یکتا و بی‌نظیر است و دارای صفاتی ثبوتی و سلبی است.

#### ۱-۳-۲-۱ فارابی و تصور خداوند

ابونصر محمد فارابی ملقب به معلم ثانی اولین کسی است که با تمایز میان وجود و ماهیت موجب تمایز میان وجود واجب و وجود ممکن شد. از نظر فارابی موجودات بر دو قسم ممکن‌الوجود و واجب‌الوجود تقسیم می‌شوند. بنا بر نظر این فیلسوف موجودات این عالم ممکن‌الوجودند و خداوند واجب‌الوجود است و علت برای تمام ممکنات می‌باشد و وجودش منزله از تمام نقایص و کامل‌ترین موجود